



## انکاس واقیعت‌های ایران

**شنبه ۴ اردیبهشت ۸۹ / ویژه‌نامه سپاه پاسداران**

در این ویژه‌نامه که به مناسبت دوم اردیبهشت، سالروز تاسیس سپاه پاسداران منتشر می‌شود قصد داریم مختصراً به بررسی پرونده سپاه از زمان تاسیس تا به امروز بپردازیم. بی‌شک این برگ کوچک جایی بس تنگ برای چنین تشکیلات عظیمی است اما نگرانی از حضور روزافزون نظامیان در نقطه نقطه‌ی کشور، ما را بر آن داشت تا قدمی هر چند کوچک در «بیدار نگاه داشتن» هموطنان خود برداریم. ما ن‌تایید آن زمان که خواب باشییم و وقتی بیدار شویم که بی‌ریشه‌های نظامی ریشه‌هایمان را بر باد داده‌اند.

## سپاه پاسداران در آئینه

### تولد

در نخستین روزهای پس از انقلاب ۵۷، دولت موقت که به علت فروپاشی قوای انتظامی و نظامی، فاقد ابزار لازم برای اعمال حاکمیت بر کشور بود درصدد برآمد تا نیرویی مسلح به‌نام گارد ملی به وجود آورد. همین ایده بود که در سال ۵۷ با حکم آیت‌الله خمینی به تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجامید و نهایتاً با فرمان خمینی به شورای انقلاب در دوم اردیبهشت ۵۸، این نهاد رسماً تاسیس شد. آن روزها هدف از تشکیل سپاه، حفظ نظم داخلی، جلوگیری از توطئه و رسوخ عناصر ضدانقلابی بین مردم و اجرای دستور دولت موقت ذکر می‌شد. لذا با اینکه سپاه در سال‌های آغازین انقلاب به حفظ اصل انقلاب و امنیت کشور کمک بسیاری کرد اما درعین حال و به‌تدریج به یکی از بازوهای حاکمیت برای خاموش کردن هر صدای مخالفی به بهانه‌های فوق نیز تبدیل شد.

### سپاه در قانون

اصل ۱۵۰ قانون اساسی: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی این انقلاب تشکیل شد، برای ادامه نقش خود در نگهدایی از انقلاب و دستاوردهای آن با برجا می‌ماند. حدود وظایف و قلمرو مسئولیت این سپاه در رابطه با وظایف و قلمرو مسئولیت نیروهای مسلح دیگر با تأکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان آنها به وسیله قانون تعیین می‌شود.»

### سپاه و سیاست

سپاه پاسداران با تغییرات تدریجی در دوره‌های مختلف سیاسی تاریخ سی ساله انقلاب به تشکیلاتی کاملاً متغییر از آنچه در ابتدای شکل‌گیری وجود داشته، بدل شده است.

این تشکیلات که دفاع از «انقلاب اسلامی ایران» در نامش هویدا است، برای انجام این «وظیفه» در هر مقطعی راهی تازه انتخاب کرده است: پیش از جنگ، حذف فعالان سیاسی و انقلابیونی که به خمینی وفادار نبودند، در دوران جنگ، حضور فعال در جبهه و پاسداری از وطن، بعد از جنگ، تلاش برای تداوم نظام با حمایت از اقتدارگراها و این روزها حضور مستقیم در صحنه سیاست برای مبارزه با «جنگ نرم».

سپاهیان که طبق قانون تحت امر ولی فقیه هستند با هدف در قدرت ماندن اقتدارگرها، به حمایت نامحسوس از «محافظه‌کاران اقتدارگرا» دست زدند اما به تدریج چنان در هزارتوی قدرت رخنه کردند که اکنون به سختی می‌توان آنها را از این گروه سیاسی تمییز داد.

اما ورود سپاه به سیاست با دخالت علنی این نهاد در انتخابات مجلس پنجم که با حمایت تلویجی آیت‌الله خامنه ای انجام شد عملاً کلید خورد. حمایتی که حکایت از نزدیکی هرچه بیشتر سپاه و آیت‌الله خامنه ای داشت. در مورد این موضوع دو نظریه وجود دارد؛ برخی از تحلیلگران معتقدند دخالت موثر سپاه در روند انتخابات مجلس از سویی، و پیروزی خاتمی بر نامزد مورد حمایت آیت‌الله خامنه‌ای از سوی دیگر، باعث بسته شدن نقطه نزدیکی

استراتژیک رهبری با نظامیان و سهیم کردن آنها در قدرت سیاسی شد. عده‌ای نیز معتقدند با افزایش قدرت سپاه و دوری اصلاح‌طلبان (که آن زمان در قدرت بودند) از رهبر، خامنه‌ای برای حفظ موقعیت خود، چاره‌ای جز تکیه بر حمایت آنها نداشته است. در این میان تئوری‌های دیگری از نقش محوری افرادی دیگر منجمله مجتبی خامنه‌ای، در ساماندهی قدرت‌گیری نظامیان سخن می‌گویند.

در تمام مدت حضور اصلاح طلبان در قدرت، سرداران سپاهی که به نظر می‌رسد با رهبر رابطه نزدیکی داشتند ساکت ننشستند. آنها هرازگاهی بیانیه‌هایی که «تهدید آمیز» خوانده می‌شد صادر کردند، به رییس جمهور نامه سرگشاده نوشتند و حتی خود به میدان سرکوب منتقدان در مقطعی چون اعتراضات دانشجویان در تیر ماه ۷۸ وارد شدند.

اما با به قدرت رسیدن محمود احمدی‌نژاد که خود سپاهی بود، حضور سپاه در مناسبات اقتصاد و سیاست کشور، چهره ای کاملاً آشکار به خود گرفت و این سازمان از یک نیروی نظامی منتقد برخی سیاستمدران، به تشکیلاتی فعال در عرصه‌های غیرنظامی بدل شد.

### سپاه و تغییراتی بنیادی

پس از فوت ایت‌الله خمینی و با روی کار آمدن رهبر جدید تغییرات بسیاری در ساختار سپاه از سر تا ذیل ایجاد شد. کسانی که معتقدند کودتای انتخاباتی ۲۲ خرداد ۸۸، ریشه در کودتایی دارد که پس از فوت خمینی علیه هر آنچه از او باقی مانده بود صورت گرفت، از تغییراتی در سپاه سخن می‌گویند که در راستای همان «کودتای خزنده» قرار می‌گیرد.

اما تغییرات گسترده در ساختار سپاه و بسیج از زمانی آغاز شد که آیت‌الله خامنه ای محمدمعلی جعفری را در شهریور ۸۶ به فرماندهی کل سپاه منصوب کرد. حجم و گستردگی این تغییرات تاحدی بوده که از زمان موافقت آیت‌الله خمینی در نیمه دهه ۶۰ با تبدیل سپاه پاسداران به سه نیروی زمینی، هوایی و دریایی بی‌سابقه توصیف می‌شود.

جعفری در نخستین روزهای آغاز به کار از «طرح تحول» در سپاه و بسیج خبر داد و در اولین گام با ادغام فرماندهی سپاه و بسیج، خود همزمان فرماندهی هر دو نیرو را بر عهده گرفت. عمر این تغییر یک سال بعد با انتصاب حسین طائب به فرماندهی بسیج به پایان رسید و بسیج بار دیگر فرمانده مستقلی یافت.

اما تغییرات گسترده‌تر از خرداد ۸۷ (نزدیک به ۹ ماه پس از انتصاب جعفری) با برکناری مرتضی رضایی، «تنها بازمانده بنیانگذاران اولیه سپاه» در این نهاد از جانشینی فرماندهی کل و انتصاب محمد حسین‌زاده حجازی به جای او آغاز شد.

یک ماه بعد جعفری با اعلام تغییرات ساختاری در سپاه از فعال شدن ۳۱ سپاه در استان‌های کشور خبر داد. این تغییرات به این صورت بود که لشکرهای مختلف سپاه در استان‌ها حذف شد و ۲۹ سپاه استانی و دو سپاه ویژه برای شهر و استان تهران به منظور مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی تشکیل شد. طرحی که به گفته جعفری «کشور را به موزائیک‌های دفاعی تقسیم کرده و هر گاه و در هر کجای کشور تهدیدی صورت گیرد، از همان موزائیک دفاعی برای مقابله با آن استفاده می‌شود».

در جریان این تغییرات، جعفری با اعزام شوشتری و اسدی دو تن از فرماندهان پرسابقه سپاه به استان‌های مختلف «در کمتر از چند هفته» علاوه بر تبدیل لشکرهای پیشین به سپاه استانی، در اغلب موارد «فرماندهان جدیدی از رده های میانی» سپاه را به عنوان فرماندهان سپاه ۳۰ استان کشور معرفی کرد و در استان تهران غیر از تشکیل سپاه سیدالشهدا به فرماندهی علی فضلی، سپاه ویژه‌ای برای پایتخت به‌نام سپاه محمد رسول‌الله به فرماندهی عبدالله عراقی تشکیل داد.

این طرح که طی دو سال در سپاه تداوم داشت، در ابتدا از سوی فرمانده کل سپاه به افزایش تهدیدات خارجی به‌ویژه قوت گرفتن احتمال حمله نظامی در ارتباط با پرونده هسته‌ای نسبت داده شد. محمد حجازی، جانشین فرمانده سپاه، نیز این تغییرات را «بر اساس دستور آیت‌الله خامنه‌ای» و برای آمادگی بیشتر در مقابله با تهدیدات خارجی عنوان کرد.

در آن زمان بسیاری از ناظران و تحلیلگران بر این عقیده بودند که حذف لشکرهای مختلف سپاه و تقسیم آنها به ۲۹ سپاه استانی به شدت توان دفاعی این نیرو را در مقابله با تهدیدهای احتمالی خارجی پایین می‌آورد و لذا این تنها ترندندی است با هدف کنترل اوضاع داخلی و سرکوب صداهای اعتراضی- پیش بینی‌ای که درست بود.

از بهمن ۸۷ و با تحولات جهانی به ویژه تغییر ریاست جمهوری آمریکا و کاهش احتمال حمله نظامی، فرمانده کل سپاه اعلام کرد که «ماموریت مقابله با جنگ نرم از سوی رهبر» به سپاه و بسیج واگذار شده‌است. و به این ترتیب بود که در ماه‌های منتهی به انتخابات دهم و در اعتراضات پس از آن سپاه و بسیج در راستای ماموریت معوقه نقش قابل توجهی داشتند.

اما تغییرات به همان‌جا ختم نشد و پس از انتخابات و تا هم‌اکنون نیز همچنان ادامه دارد. این دور از تغییرات زمانی شروع شد که حسین طائب با حکم رهبر از فرماندهی بسیج به معاون اطلاعات سپاه منصوب شد و محمدرضا نقدی به عنوان فرمانده بسیج آغاز به کار کرد. مدتی بعد معاونت اطلاعات سپاه به «سازمان اطلاعات سپاه» ارتقا یافت و طائب به فرماندهی آن منصوب شد. پس از آن غلامحسین رضائی به جای حسین نجات به عنوان فرمانده حفاظت و امنیت سپاه منصوب شد و حسین نجات نیز به عنوان معاون امنیت داخلی به شورای عالی امنیت ملی رفت. همچنین مدتی بعد فرمانده کل نیروهای مسلح از ادغام نیروی زمینی سپاه و بسیج و ایجاد «مقاومت نیروی زمینی سپاه» خبر داد. که همه این تغییرات حاکی از «رویکرد امنیتی» جدیدی در سپاه است. چرا که سابق بر این طائب در بخش امنیتی بیت رهبری فعالیت می‌کرده و رضائی نیز سال‌ها معاون اطلاعات و معاون حفاظت نیروی انتظامی و پس از آن به ترتیب معاون حفاظت و معاون اطلاعات سپاه بوده است. سوابق نقدی در سپاه قدس و فرماندهی حفاظت و اطلاعات نیروی انتظامی نیز بیشتر جنبه امنیتی دارد. همچنین به نظر می‌رسد ادغام بسیج در سپاه و ایجاد مقاومت نیروی زمینی سپاه به منظور ایجاد نیرویی به موازات نیروی انتظامی جهت سرکوب اعتراضات احتمالی در کشور باشد و حفاظت اطلاعات سپاه نیز جایگزینی برای وزارت اطلاعات.

### سپاه، پیش از انتخابات دهم

تا پیش از انتخابات دهم ریاست جمهوری بیشترین نارضایتی از دخالت سپاه و بسیج (ارگان تحت امر سپاه) در برگزاری انتخابات‌ها، به انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴ باز می‌گشت که کرویی در نامه‌ای به رهبر، مجتبی خامنه‌ای، فرزند او را متهم کرد که با استفاده از نیروهای سپاه و بسیج به نفع احمدی‌نژاد، در انتخابات تقلب کرده است.

اما در جریان انتخابات دهم و اتفاقات پس از آن بود که دخالت سپاه و بسیج در انتخابات آشکار شد. دخالتی که به گفته جعفری فرمانده کل سپاه، «هیچ کدام خودسرانه نبود» و در نتیجه با دستور از مقام بالاتر یعنی فرمانده کل قوا، آیت‌الله خامنه‌ای بوده است.

در ماه‌های پیش از انتخابات و به خصوص در طول ۲۰ روز تبلیغات انتخاباتی، سپاه و بسیج با صرف بودجه‌های هنگفت با توزیع بروشور و سی‌دی تخریبی علیه دیگر کاندیداها، برگزاری جلسات توجیهی متعدد در مناطق روستایی و به‌هم ریختن مراسم تبلیغاتی دیگر کاندیداها، تلاش فراوانی برای رای آوردن احمدی نژاد، کاندیدای مورد نظر حاکمیت کردند.

۶ ماه مانده به انتخابات سردار عراقی گفت به این خاطر که «آیت‌الله خامنه‌ای از احمدی‌نژاد حمایت کرده است» نیروهای سپاه و بسیج موظفند از دولت او حمایت کنند.

جعفری هم در یک سخنرانی پیش از انتخابات گفت: «بخشی از بسیج که بنا به تدبیر مقام معظم رهبری، فعالیت های نظامی ندارد جزو نیروهای مسلح محسوب نمی‌شود و مجاز است که در رابطه با انقلاب وارد مباحث سیاسی شود.»

معرفی صادق محصولی از سرداران قدیمی سپاه برای پست وزارت کشور به مجلس و رای اعتماد به وی که با شائبه تقلب همراه بود، آن هم تنها اندکی پیش از انتخابات دهم نظر تحلیلگران را به احتمال خواست هرچه بیشتر سپاه برای اداره انتخابات نزدیک می‌کرد.

هفته نامه صبح صادق، نشریه رسمی ارگان سپاه در آخرین شماره خود پیش از انتخابات به نقل از یدالله جوانی رئیس دفتر سیاسی سپاه، موسوی را به تلاش برای انقلاب مخملی متهم کرد و نوشت که «سپاه آن را در نطفه خفه خواهد کرد».

در آن زمان تحلیلگران بر این باور بودند که هشدار سپاه زمینه‌چینی برای سرکوب هواداران موسوی و کرویی است که گفته بودند در صورت تقلب به خیابان‌ها می‌ریزند.

و اما درست ۷ ساعت مانده به شروع رای‌گیری و در پی نامه چند روز قبل موسوی به آیت‌الله خامنه ای که از شواهدی درباره مداخله تصدای از فرماندهان سپاه و بسیج در انتخابات سخن گفته بود، سپاه بیانیه شدیدالحنی را علیه موسوی صادر کرد.

### سپاه، پس از انتخابات دهم

در روز انتخابات از به آتش کشیدن ستادهای موسوی در بعضی مناطق توسط بسیجی‌های عصبانی خبرهایی رسید. در حمله بامداد ۲۵ خرداد به کوی دانشگاه تهران بسیجیان و نیروهای لباس شخصی در کنار نیروهای ضد شورش پلیس حضور داشتند. در تظاهرات بزرگ معترضین در ۲۵ خرداد در تهران در حوالی میدان آزادی از یک پایگاه بسیج به سوی مردم آتش گشوده شد که به کشته شدن ۸ نفر انجامید. در سایر تظاهرات‌ها نیروهای

بسیجی و لباس شخصی‌های سپاه بیشترین حضور را در کنار نیروی پلیس در ضرب و شتم و دستگیری مردم معترض داشتند. ۳۰م خرداد، شنبه خونین پس از نماز جمعه معروف

آیت‌الله خامنه‌ای که در آن مسئولیت ریخته شدن خون معترضین را با «سران مخالفان» و نه قاتلان آنها دانست، این نیروهای بسیج و سپاه بودند که بر اساس فیلم‌ها، عکس‌ها و گفته‌های شاهدان، مردم را هدف گلوله قرار دادند. در ماه‌های بعد هم فیلم‌هایی از ورود غیر قانونی نیروهای لباس شخصی سپاه و بسیج به داخل حریم دانشگاه‌ها و منازل مردم و ضرب و شتم و دستگیری غیر قانونی افراد، در اینترنت و شبکه‌های خبری منتشر می‌شد. بسیجیان به جماران هم حمله کردند. شب تاسوعای حسینی هنگام سخنرانی محمد خاتمی جمعی از این نیروها با حمایت نیروی انتظامی با شکستن درب و پنجره جماران وارد محل سخنرانی شدند که به نیمه تمام ماندن برنامه منجر شد. از معروف‌ترین حضور بسیجیان در این مدت می‌توان به مراسم تشییع پیکر آیت‌الله منتظری اشاره کرد. آنجا که با سنگ و چماق به عزاداران و بیت مرحوم آیت‌الله منتظری و بیت آیت‌الله صانعی حمله کردند.

ندا آقااسطان یکی از کشته شده‌های این مدت است که بنا به گفته شاهدان توسط یک بسیجی به قتل رسید. در میان فیلم‌های موجود از وقایع پس از انتخابات فیلمی که نمایشگر تیراندازی نیروهای با لباس رسمی بسیج از بالای مسجد لولاگر است از مهم‌ترین مدارکی است که نشان‌دهنده‌ی دستور تیر داشتن این نیروها در تظاهرات‌ها است. گفتنی است تعداد کشته‌های مقابل مسجد لولاگر ۷ تن گزارش شده بود.

بنا براین بی‌دلیل نبود که آیت‌الله منتظری که خود از پایه‌گذاران نظریه «ولایت فقیه» بود، در آخرین روزهای عمرش گفت که آنچه مد نظر آنها بوده است «ولایت فقیه» بوده و آنچه اکنون وجود دارد «ولایت نظامی» است. در جای دیگری هم با انتقاد شدید از برخورد حکومت با مردم، فلسفه تشکیل بسیج را یادآوری کرد و گفت: «بسیج یعنی بسیج در راه خدا نه بسیج در راه شیطان.»

اینگونه بود که موسوی در بیانیه شماره ۱۵ خود خطاب به بسیجیان گفت: «قرار نبود بسیج جیره‌خوار دولت شود و به ازای دستگیر کردن مردم در اجتماعات پاداش سرانه بگیرد. بسیج چه بود و چه خواهد بود اگر به مسیری که پیش‌رویش گذاشته شده ادامه دهد؟»

و اما چند ماه از اوج سرکوب‌ها گذشته بود که عبدالله عراقی، فرمانده سپاه محمد رسول‌الله اعلام کرد «از ۲۵ خرداد به بعد تمام مسئولیت (کنترل تهران) بر عهده سپاه و نیروهای بسیجی گذاشته شد.» این در حالی بود که طی ماه‌های قبل اظهارات کاملاً متناقضی از سوی سپاه و نیروی انتظامی در رابطه با مسئولیت کنترل تهران (بخوانید مسئولیت ریختن خون معترضین) اعلام شده بود.

در ماه‌های بعد و طی تغییرات جدیدی که در ساختار سپاه ایجاد شد به نظر می‌رسید که تقویت بسیج و گسترش پایگاه‌های بسیج در سراسر کشور در دستور کار است، چنانکه جعفری تقویت بسیج را «نیمی از ماموریت سپاه» خواند و گفت که قرار است در ساختار جدید، بسیج، به «بدنه رزم سپاه» ارتباط قوی‌تری داشته باشد.

اسدی، فرمانده نیروی زمینی سپاه نیز ماموریت جدید بسیج را اینگونه معرفی کرد: «ماموریت بسیج در عرصه کل کشور مقابله با تهدیدات نرم و نیمه سخت است تا جایی که به اقدام مسلحانه منجر نشود. یعنی اگر تهدیدات نیمه سخت و سخت به سمت تهدیدات نرم سوق داشته باشد، مقابله با آن در حیطه وظایف بسیج قرار دارد.»

### سپاه و خمینی

علم الهدی نماینده آیت‌الله خامنه‌ای و امام جمعه مشهد: هیچ سند و عبارتی یافت نمی‌شود که نشان دهد رهبر کبیر انقلاب گفته باشند «سپاه در سیاست دخالت نکند» زیرا سیاست ما عین دیانت ماست.

حجت‌الاسلام سعیدی، نماینده آیت‌الله خامنه ای در سپاه با انتقاد از کسانی که به نظر آیت‌الله خمینی مبنی بر عدم دخالت نظامیان در سیاست استناد می‌کنند: در امور حکومتی نظر «ولی فقیه حاکم» باید مورد توجه باشد.

در ماه‌های پس از انتخابات این قبیل سخنان از زبان افراد متفاوتی بیان شد.

خمینی در ۲۴ اسفند ۶۰: «ما که می‌خواهیم که سپاه و ارتش جهات سیاسی را کنار بگذارند، برای اینکه اگر جهات سیاسی و مناقشات سیاسی در سپاه رفت و در ارتش رفت، باید فاتحه این سپاه و ارتش را ما بخوانیم.»

باید توجه کرد این سخنان در شرایطی گفته شده که سازمان مجاهدین خلق در اوج مبارزه مسلحانه خود با حکومت بوده، حزب توده و بسیاری از احزاب کمونیستی نیز فعالیت داشته‌اند. شرایطی که اگر قرار بود از نظر خمینی نظامیان در مسائل سیاسی مداخله کنند قطعاً آن دوران مصداق بارز آن بوده است.

### سپاه و اقتصاد

توضیح: در این قسمت به دلیل کمبود جا به فعالیت‌های کثیف اقتصادی سپاه مثل پولشویی، رانت‌خواری و قاچاق ارز و کالا از گمرکات و بنادر تحت کنترل آنها، اشاره‌ای نشده و تمام اخبار و آمارها از رسانه‌های رسمی کشور آورده شده است.

سال‌ها پیش که برخی موسسات به نام «بسیجیان» فعالیت می‌کردند، کسی به این فکر نمی‌کرد که سپاه و بسیج در حال تبدیل شدن به بزرگترین نهادهای اقتصادی کشور باشند. نفوذ سیاسی سپاه البته بسیار پُر اهمیت است، ولی به عقیده کارشناسان، نفوذ فزایندهٔ اقتصادی آن را نیز باید بسیار جدی گرفت چراکه سپاه که نهادی نظامی است، هم در اقتصاد داخلی و هم در تجارت خارجی، چنان رشد کرده که می‌توان گفت تبدیل به دولت در سایه شده است. دامنهٔ فعالیت‌های سپاه، از پروژه های خُرد سازندگی سال‌های پس از جنگ، به پروژه های عظیم زیربنایی گسترش یافته است. سپاه از نفوذ خود در صنایع نظامی استفاده کرده و با کنار نهادن بنگاه‌های تجارتی کوچک بخش خصوصی، وارد بازار بسیار پُرسود مایحتاج روزمره شده است. عدم شفافیت در اقتصاد ایران، همراه با پنهانکاری‌های بخش اقتصادی سپاه، پیگیری دقیق این فعالیت‌ها را بسیار دشوار کرده است. اما همین منابع رسمی هم اطلاعات کافی در اختیار ما می‌گذارند تا به عمق پیچیدگی ارتباطات سپاه و اقتصاد کشور پی ببریم.

سپاه در طول جنگ اولین فعالیت‌های تولیدی خود را در زمینه‌ی سلاح آغاز کرد. همچنین با توجه به نیازهای جبهه، شروع به فعالیت عمرانی در ایجاد ساختمان‌ها، پناهگاه‌ها، سنگرها، راه‌ها و پل‌ها کرد. و این آغازی بود به کسب تجاربی در زمینه‌ی صنعتی، تولیدی و عمران برای این نهاد نظامی.

سپاه با اتمام جنگ به بهانه بازسازی کشور با ورود به مناقصه‌ها، کارکردی اقتصادی و خدماتی به خود گرفت. گفتنی است فعالیت‌های سپاه، در اقتصاد، دستاویز قانونی دارد. بنا به مادهٔ ۱۴۷ قانون اساسی، «دولت باید در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی، و جهاد سازندگی، با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده کند، در حدی که به آمادگی و رزمی آسیبی وارد نشود». در توضیح باید گفت که مضمون این قانون صراحتاً بیانگر «استفاده دولت» و نه فعالیت و حضور گسترده «مستقل» این نهادها در حوزه اقتصاد است. این امری متداول در بسیاری از کشورهاست که وظایف موردی مانند؛ امداد رسانی در شرایط خاص (سیل، زلزله و …) و یا برخی فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با وظایف ارتش (مثل فعالیت در تولید سلاح یا تحقیقات مرتبط با وظایف دفاعی) را به آنان می‌سپردند . ظاهر این ماده قانونی نیز صراحتاً در مورد ارتش است نه سپاه . ضمن آنکه بر رعایت عدل نیز تأکید می‌کند، عدلی که با حضور مستقل و گسترده ارگان‌های نظامی، نه تحت نظر دولت، و به صورت خاص و ایجاد انحصار و استفاده از نفوذ و قدرت نظامی در حوزه اقتصادی (آنچه امروز در جریان است) قطعاً مخدوش خواهد شد و به ظلم و حذف رقبای و دیگر فعالان اقتصادی در حوزه مربوطه منجر خواهد گردید. در هر حال همین «شاره» قانون که حالت تبصره هم دارد (با توجه به تأکید در وظایف رزمی ارتش در این ماده) دستاویزی برای فعالیت‌های گسترده اقتصادی سپاه شده است.

شروع به کار سپاه در عرصه‌ی سازندگی با تاسیس شرکت ساختمانی «قرب» کلید خورد. شرکتی که رئیس هیئت مدیره‌ی آن فرمانده سپاه است و امروزه یکی از بزرگ‌ترین و پرقدرد ترین مقاطعه کاران در ایران است. در تارنمای (سایت اینترنتی) قرب با افتخار اعلام شده که این شرکت ۷۵۰ قرارداد مهم در زمینه‌های مختلف راه و ساختمان، سد سازی، سیستم‌های آبیاری، شاهراه‌ها، تونل و سازه‌های بسیار مقاوم، شمع پندی تیرآهن-های مشبک سه بُعدی، ساختمان دکل‌های روی آب دریا، و لوله کشی برای آب، گاز و نفت دارد. مجتمع قرب همچنین ادعا می‌کند که برای ۱۷۰ پروژه بزرگ دیگر به عنوان مشاور استخدام شده است. در سال ۸۶، شرکت قرب اعلام کرد که تا آن زمان بیش از ۱۲۲۰ پروژه را به اتمام رسانده و ۲۵۰ پروژه بزرگ دیگر نیز در دست دارد. بعد از قرب، سپاه اقدام به تاسیس و راه‌اندازی «قراگاه خاتم‌الانبیاء» کرد. قرارگاهی که هدف از تاسیس آن به گفته سعیدی «بهره برداری از امکاناتی بود که در جریان جنگ استفاده نظامی داشت، اما پس از جنگ می‌توانست در بازسازی خرابی‌های آن مورد بهره برداری قرار گیرد.» اما هم‌اکنون به غول اقتصاد ایران تبدیل شده است. رحیم صفوی فرمانده پیشین سپاه راجع به این قراگاه گفته بود که بیش از ۱۵۰۰ پروژه بزرگ را در هفده سال گذشته به پایان رسانده و در دو سال اخیر که در صنایع نفت و گاز حضور یافته قصد دارد جای شرکت های بزرگ آمریکائی و اروپائی را بر کند.

همچنین عابدزاده، جانشین رئیس قراگاه خاتم‌الانبیاء، اظهار داشته بود « قرارگاه تا تیرماه سال ۸۵ یک هزار و ۲۲۰ پروژه را اجرا کرد و ۲۴۷ پروژه دیگر را در دست اجرا دارد.» به هر حال به جز قرب و خاتم‌الانبیاء از شرکت‌ها و موسسات دیگری نیز چون «کوتران» که به سپاه وابسته‌اند و فعالیت اقتصادی می‌کنند نام برده‌اند. اما آنچه از نام و عنوان و تعداد شرکت‌ها و موسسات وابسته به سپاه مهم‌تر است، گستره و ابعاد فعالیت این نهاد نظامی است. گستره‌ای که از ساخت و ساز تا مخابرات و ارتباطات را در بر می‌گیرد و هر روز به ابعاد و عمق آن افزوده می‌شود و بخشی از آن به این قرار است:

۱- اجرای طرح توسعه شبکه آبیاری امیدیه خوزستان، ۲- ساخت مخازن ذخیره‌ی نفت در جزیره‌ی خارک، ۳- اداره اسکله‌ها و بنادر کشور، ۴- اداره برخی فرودگاه‌های کشور، ۵- خط لوله‌ی هفتگاز میان سنندج، ۶- تکمیل متروی تهران، ۷- توسعه فازهای ۱۵ و ۱۶ میدان پارس جنوبی، ۸- ایروپاتوری تلفن همراه، ۹- سد مخزنی کرخه، ۱۰- آزادراه تهران- سلاوه، ۱۱-، تونل‌های آبی نیروگاه سد مخزنی کارون و …

با همه‌ی این موارد اما، فعالیت‌های اقتصادی سپاه در دولت نهم و پس از آن دهم هر روز بیشتر و بیشتر شد. محمود احمدی نژاد زمانی که شهردار تهران بود چند قرارداد «بدون برگزاری مناقصه» با سپاه بست و پس از آن در انتخاباتی با شائبه زیاد تقلب در اثر دخالت سپاهیان رای آورد. پیوند موجود بین احمدی‌نژاد و سپاه، با انتخاب تعداد زیادی از فرمانده‌هان سپاه در مقام وزیر و معاون و استاندار و فرماندار توسط او آشکارتر شد. او روندی را که در زمان شهادری‌اش آغاز کرده بود در دولت نهم در ابعاد وسیع‌تری پی‌گرفت، شرکت‌های خارجی را کنار گذاشت و قراردادهای سنگین بسیاری را «بدون مناقصه و مزایده» به سپاه واگذار کرد که از جمله‌ی آنها می‌توان به خط لوله هفتم گاز عسלוویه با دو میلیارد و پانصد میلیون دلار، توسعه مترو با دو میلیارد و چهارصد میلیون دلار، توسعه فازهای ۱۵ و ۱۶ میدان پارس جنوبی با دو میلیارد و پانصد میلیون دلار اشاره کرد.

این روند به شکلی ادامه یافت که سپاه پاسداران همچنان که در بخش سد و راهسازی و عمران فعالیتی وسیع داشت در بخش نفت و گاز هم فعال شد. سپاه پاسداران با «تصاحب مالکیت چند بنگاه و موسسه بازرگانی خصوصی» در بخش نفت و گاز، بیشترین فعالیت خود را در این زمینه متمرکز کرد. مجتمع «قرب»، مالکیت شرکت اورپیتال کیش اوپل را، که در مناطق نفتی و گازی خلیج فارس حفاری می‌کرد، تصاحب کرد. این واگذاری شامل تمام پروژه‌ها، فعالیت‌ها و تجهیزات آن بود که ارزشش بر ۹۰ میلیون دلار می‌شد.

مدتی پیش نیز در بزرگ‌ترین و البته سوری‌ترین معامله بورس ایران و در کمترین زمان ممکن یعنی تنها نیم ساعت بیش از ۵۰ درصد سهام شرکت مخابرات ایران به ارزش ۷۸ هزار میلیارد ریال به سپاه واگذار شد. پس از آن هم خرید رسید که سپاه در پی تبدیل دو صندوق قرض الحسنه خود به «بانک‌هایی رسمی» است تا بتوانند حجم بزرگ گردش مالی خود را مستقل از بانک‌های دولتی و خصوصی در شبکه‌ای متعلق به خود رتق و فتق کند. گفتنی است علاوه بر همه دارایی‌های پیدا و پنهان سپاه، هرساله ۴۰ تا ۵۰ هزار میلیارد ریال در بودجه سالانه به سپاه اختصاص می‌یابد.

درحالی که امکان ابراز مخالفت در شرایط حاضر بسیار محدود است، اما به نظر می‌رسد چهار موضوع بحث برانگیز دربارهٔ فعالیت‌های اقتصادی سپاه مطرح شده است. نخست: نحوهٔ اجرای مناقصه‌ها و ترتیب اعطای قراردادهای پرسودی که نصیب شرکت قرب و سایر سازمان‌ها و نهادهای وابسته به سپاه پاسداران می‌شود؛ دو: توانایی و پشتوانهٔ مالی عظیم مجتمع قرب، که به آن این امکان را می‌دهد تا در مناقصه‌ها و مزایده‌های دولتی قیمت کمتری از سایر شرکت‌ها ارائه دهد؛ سه: معیارهای سنجش کیفیت کارها و پروژه‌های تکمیل شده توسط مجتمع قرب، و در عمل، بسیار پایین‌تر از معیارهایی است که دیگر شرکت‌ها باید رعایت کنند؛ و در نهایت: مجتمع قرب، توسط رابط‌های خود، به سرمایه‌های کلان و ارز موجود در بانک‌های دولتی دسترسی دارد. در این میان دو مسئله نیز مسکوت می‌ماند: نخست: شیوهٔ حسابداری قرب (زیرا شرکت ناظر بر حساب‌های قرب خود تابع قرب است )، دو: مجتمع قرب مشمول پرداخت مالیات نیست.

اما سوال مهمی که به ذهن می‌رسد این است که به چه دلیل سهام شرکت‌های دولتی که قرار است بنا به اصل ۴۴ به شرکت‌های خصوصی واگذار شود، به سپاه داده می‌شود؟ به این روند نام «خصوصی سازی» باید نهاد یا «شبه دولتی سازی»؟ و سوال مهمتر اینکه اساساً به چه دلیلی یک نهاد نظامی به بزرگترین قطب اقتصادی کشور تبدیل می‌شود؟

**این بر که را چاپ و تکثیر نماید و برای دریافت مطالب بیشتر در این زمینه به بلاگ ما مراجعه کنید:**
**www.khabarnameh88.blogspot.com**